

محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی

عیسی جهانگیر*

چکیده

امروزه باید دل‌نگران طبیعت و زیستگاه انسان بود؛ هر چند فناوری‌های فریبنده، زشتی خفقان‌آوری را که فرهنگ تجدد جایگزین هماهنگی، زیبایی و آرامش طبیعت بکر کرده، زیبا جلوه نماید؛ این نوشتار تلاش می‌کند این موضوع را با نگرشی تطبیقی بین چشم‌انداز قرآنی و دیدگاه برخی عالمان علوم جدید بررسی می‌کند فناوری افسارگسیخته، فزونی جمعیت، فراوانی فراورده‌های مصرفی، و نظام سرمایه‌داری مهد انسان را دچار این بحران ساخته و چاره‌رهایی از آن در کنترل این وضع است. از چشم‌انداز قرآنی، این معضل، معلول جهان‌بینی جدید و تغییر نگرش انسان نسبت به خود و طبیعت است؛ نگرشی که ریشه در بنیان‌های علم جدید و تفکر تجددگرایانه دارد و به فاصله گرفتن انسان از نگاه قدسی و معنوی به طبیعت، و چنگ انداختن تجاوزگرانه و خودخواهانه به آن انجامیده است.

کلید واژه‌ها: طبیعت، محیط زیست، رویکرد قرآنی، فرهنگ تجدد

۱. بحران محیط زیست

در تخریب و تباهی محیط زیست مرثیه بسیار سروده‌ایم و اغلب بی‌ثمر. انفجار جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش بی‌ضابطه شهرنشینی، بیابانی شدن جنگل‌ها و سبزه‌زارها، کاهش تنوع زیستی و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش خاک‌های حاصلخیز، مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی، آلودگی رودها و آب‌های ساحلی به وسیله فاضلاب‌های صنعتی و شهری، آلودگی نفتی دریاها، صید بی‌رویه و کاهش ذخایر صید، افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی در برخی از مناطق، گازهای گلخانه‌ای، باران‌های اسیدی، آلودگی هوا، گرم شدن هوای کره زمین و تخریب لایه ازن، بخشی از این نابسامانی زیست محیطی است. بر پایه مطالعات:

۱. چنانچه تا اواسط قرن ۲۱ میلادی درجه حرارت زمین سه درجه سانتیگراد افزایش یابد، سطح دریاها تا یک متر بالا خواهد آمد و تا پایان همین قرن (بر اثر ذوب شدن توده‌های یخ و کوه‌های یخ) این میزان به دو متر خواهد رسید و آنگاه بسیاری از شهرهای ساحلی و حتی برخی از کشورها به زیر آب خواهند رفت؛^۱
۲. به سبب صید بی‌رویه، هر روز ۱۴۰ گونه و هر سال ۵۰۰۰ گونه حیاتی نابود می‌شوند؛^۲
۳. سالانه ۱۷ میلیون هکتار، منطقه‌ای به وسعت دو برابر کشور اتریش، از وسعت جنگل‌های کره زمین کاسته می‌شود؛^۳
۴. وضع وخیم مهد انسان به جایی رسیده است که ساکنان آن، با تأسیس حزب‌ها، صدور بیانیه‌ها، و شیوه‌های گونه‌گون دیگر نسبت به این بحران جهان‌گیر و جهان‌سوز بانگ هشدار برآورده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که در بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴، ۴۸/۵ درصد تظاهرات مردم کشورهای اتحادیه اروپا مربوط به محیط زیست بوده است.^۴ این در حالی است که ایالات متحده تنها با داشتن ۵ درصد از جمعیت جهان، از حدود یک‌سوم منابع طبیعی جهان را استفاده، و دست‌کم یک‌سوم آلودگی دنیا را تولید می‌کند.^۵ توجه به آمارهای سازمان ملل نیز نشان می‌دهد که حدود ۹۸ درصد دی‌اکسیدکربن و سایر گازهای مضر جو، مربوط به کشورهای صنعتی، و فقط ۲ درصد سهم کشورهای جهان سوم است.^۶

۲. عوامل و راهکارهای بحران زیست‌محیطی

درباره عوامل و راهکارهای بحران زیست‌محیطی رویکردهای گوناگونی از سوی دانشمندان ارائه شده است. در اینجا نخست به اجمال دیدگاه اندیشمندان جدید و سپس دریافت خود از قرآن را بررسی می‌کنیم. برخی از زیست‌شناسان مانند گارت هاردین^۷ بر این باورند که مسئله آلودگی، اثر مستقیم فزونی بیش از حد جمعیت ساکن است.^۸ عده‌ای دیگر علت را در فراوانی محصولات مصرفی می‌دانند. به گفته والتر هوارد (زیست‌شناس)، جامعه‌ای که در آن محصولات مصرفی فراوان باشد، به زیاله‌دان مبدل می‌شود؛ چنان‌که ایالات متحده، که تنها ۶ درصد از جمعیت جهان را داراست، بیش از ۷۰ درصد زیاله را به جهان تحمیل می‌کند.^۹

برخی از سیاستمداران، فناوری افسار گسیخته را مقصر می‌دانند. انیشتین در کتاب *جهانی که من می‌شناسم* می‌نویسد: «پیشرفت‌های صنعتی با ماشین‌های غول‌پیکر خود به جای اشیا و مواد ضروری، گیوتینی برای قطع ریشه انسانیت می‌سازند».^{۱۰} باری کومونر^{۱۱} نیز عقیده دارد که علت اصلی تولید آلودگی در میان ملل صنعتی و ثروتمند، ظهور فناوری زیانمند برای محیط زیست پس از جنگ جهانی دوم است. گروه دیگری مسبب این بحران را کاپیتالیسم می‌دانند؛ چه با تولید بیش از حد، از منابع زیستی بهره‌جویی غیرعادلانه انجام می‌گیرد و با ایجاد جوامع پرشمار مصرف‌کننده، این منابع به زیاله‌دانهایی بزرگ تبدیل می‌شوند.^{۱۲}

بسته به دیدگاه‌های گوناگون، چاره‌های مختلفی از سوی دانشمندان برای بحران محیط زیست ارائه شده است. به اعتقاد میلر باید هم از «خوش‌بینی تکنولوژی» برحذر بود و هم از دام «روزهای خوش گذشته»؛ ایده خیالی‌ای که بازگشت به گذشته و زندگی ساده‌تر را سفارش می‌کند؛^{۱۳} چراکه امروزه امید به زندگی و برخی دیگر از شاخص‌های زندگی بهبود یافته‌اند. پس باید فناوری زیان‌آور را کنترل کرد و متکی به فناوری متناسب بود. مردمی که خود را مجهز به کیسه خواب می‌کنند، غذای خشک منجمدشده را در یخچال کاروان مجهز خود نگاه می‌دارند و با آن به سوی جنگل‌ها می‌روند، در حقیقت به طبیعت بازنگشته‌اند؛ بلکه اینان در پوشش فناوری خود را از سختی‌ها و واقعیت‌های طبیعت حفظ می‌کنند. برخی دیگر برپایه دیدگاه خود در باب علل این بحران، کنترل جمعیت را منجی منابع طبیعی می‌دانند و برخی دیگر کنترل محصولات مصرفی را.

بیان علل و چاره‌های بحران زیست‌محیطی از دیدگاه دانشمندان تجربه‌گرا، پژوهشی دیگر می‌طلبد که در این نوشتار بر آن نیستیم؛ ولی می‌توان مدعی شد که هرچند هر یک از دیدگاه‌های اشاره‌شده بهره‌ای از حقیقت دارند و به جنبه‌هایی از مجموعه عوامل یا یک عامل کلی اشاره‌هایی سودمند کرده‌اند، باید دلیل اصلی بحران و چاره آن را جای دیگری جست و به گونه‌ای دیگر نگریست.

با اندیشیدن در کلام وحی و تحلیل آن می‌توان به دست آورد که نگرش نادرست انسان جدید به جهان و طبیعت (جهان‌بینی جدید) است که موجب چنین رفتاری با طبیعت شده است. خالق این تراژدی، انسان امروزی و چاره آن تغییر نوع نگرش به طبیعت و منابع طبیعی است. انسان مدرن ارزش‌های افزوده بسیاری را از طبیعت بهره‌کشی کرده است، که باید آنها را بازپس دهد. انسان مدرن، مولود اندیشه مدرن - مدرنیسم یا تجددگرایی - است. شاخص‌های پرشماری برای تجددگرایی ارائه شده که از جمله آنها، فردگرایی، عاطفه‌گرایی، تأکید بر تغییر بیرون به جای درون، اندیشه پیشرفت، برابری‌گرایی انسان‌ها، استدلال‌گرایی، اومانیسیم، تجربه‌گرایی افراطی و تعبدستیزی هستند،^{۱۴} تأکید نگارنده از بین این شاخص‌ها بر «تغییر بیرون»، و «اومانیسیم» است.

انسان سنتی همانند رواقیان، دل‌مشغول دگرگونی درون است. او آنچه را نمی‌بیند، می‌طلبد، و آنچه را می‌بیند نمی‌طلبد؛ یا بیرون را باید دگرگون و مطابق خواسته‌اش سازد، یا درون را تا خواسته‌اش برابر بیرون باشد. هسته اصلی جهان‌بینی مدرنیسم و انسان جدید این است که طالب تغییر در بیرون است و این ندای درونش که «چرخ بر هم زخم از غیر مرادم باشد»^{۱۵} بدین جهت چاره بحران محیط زیست آغاز از خود است. به تعبیر و بلیس هارمون «ما باید در این زمینه فرایند تغییر و تحول را با خودمان آغاز کنیم»^{۱۶}

اگر این ویژگی مدرنیسم در کنار ویژگی دیگرش، اومانیسیم یا انسان‌گرایی، تصور شود، به مطلوب خود نزدیک‌تر خواهیم شد. اومانیسیم دست‌کم دو معنای اصلی دارد و هر معنا برای انسان متجدد امروزمین دارای اهمیت است. معنای اول اومانیسیم، نظری و معرفت‌شناختی است. برابر با این معنا، اومانیسیم یعنی هر گونه‌ای از معرفت، معرفت برای انسان است و دست‌کم برای انسان نسبی و وابستگی دارد. اومانیسیم در معنای دوم، بعدی

عمل‌گرایانه دارد که در نوشتار پیش‌رو این معنا مورد تأکید است. اومانیسیم در مقام عمل بدین معناست که هیچ موجودی ارزش، اهمیت یا شرافت وجودی‌اش بیش از انسان نیست؛ به گونه‌ای که ارزش داشته باشد انسان فدای او شود. به‌دیگر سخن در مقام عمل و در مقام دخل و تصرف در جهان هستی باید این عمل و دخل و تصرف چنان باشد که پیوسته قدر اول بودن انسان در جهان هستی باقی بماند. برپایه این دیدگاه حتی انسان نباید فدای مقدسی بالاتر از خود شود و همه چیز حتی طبیعت کاملاً در اختیار و دخل و تصرف انسان است.^{۱۷}

چنین انسانی که تأکیدش، همه بر تغییر بیرون است؛ همه چیز را برای خویش می‌خواهد؛ برای هیچ چیز جز خود و انسان ارزشی بالاتر از انسان قایل نیست و از سویی تعبدگریز و جاهل یا منکر وحی و ماورای طبیعت است، پیداست که چگونه با طبیعت رفتار خواهد کرد و تلقی او از طبیعت چه تفاوتی با تلقی سنتی و قرآنی خواهد داشت؛ رویکردی که از سویی انسان را جانشین خدا و نقش او را در زیستگاهش، آباد ساختن آن، و از سویی دیگر طبیعت را ذی‌شعور، آموزگار انسان، مایه عبرت و دارای ویژگی‌های بسیار می‌داند. بدین سبب گروهی را عقیده بر این است که تا وقتی انقلاب فکری در تفکر بشر جدید و اندیشه‌های سکولاریستی کشورهای صنعتی، پیشرفته و روبه‌توسعه حاصل نشود، زخم طبیعت التیامی نخواهد یافت.

حال جایگاه محیط زیست و علل بحران آن را با کاوشی در کتاب قدسی اسلام، به منزله کامل‌ترین متون مقدس بررسی و آن‌گاه اصول و سفارش‌های عملی آن را به‌اختصار بازگو می‌کنیم. پر واضح است که نجات‌بخش بودن آموزه‌های دیگر کتاب‌های آسمانی به هیچ روی مورد نفی و انکار نیست؛ چه به عقیده بسیاری «نگرش به طبیعت به منزله مربی اخلاقی انسان، جهان‌شمول است و در منابع هندو، بودایی و نیز منابع یهودی و مسیحی نیز وجود دارد».^{۱۸}

۳. محیط زیست و بحران آن از چشم انداز قرآنی

شرایط امروز مسلمانان شاید این‌گونه به نظر آورد که نگرش اسلامی به طبیعت نسبت به نگرش غرب متجدد که نخستین بار بشر را به بحران محیط زیست مبتلا کرده است، تفاوت

چندانی ندارد؛ اما تأملی ژرف‌تر آشکار می‌سازد که نگرش اسلامی و قرآنی به محیط زیست، با آنچه در چند سده اخیر در غرب شایع بوده، بسیار متفاوت است.^{۱۹} آثار این نگرش را می‌توان در استنکاف جامعه اسلامی از تسلیم کامل در برابر فرمان‌های ماشین و همچنین فریاد بلند گفتارهای وحیانی اسلام درباره ارزش متعالی و لزوم حفاظت از محیط زیست به وضوح مشاهده کرد.

پیش‌نیاز فهم آموزه‌های قرآنی درباره طبیعت و محیط، پرداختن به برداشت قرآن از دو مفهوم کلیدی انسان و طبیعت است. برای طبیعت می‌توان جایگاهی قدسی در قرآن یافت. قرآن طبیعت را در نهایت یک تجلی الهی بر انسان می‌داند که خداوند را هم محبوب می‌دارد و هم مکشوف می‌سازد. شکل‌های طبیعت نقاب‌های بسیاری‌اند که صفات متنوع خدایی را می‌پوشانند؛ درعین‌حال برای آنان که چشم باطنشان کور نشده است، همان صفات را مکشوف می‌سازند. حتی به معنایی ژرف‌تر می‌توان ادعا کرد که بنا بر دیدگاه قرآنی، خداوند محیط فرجامین است که محیط بر انسان و دربرگیرنده اوست. خداوند در قرآن محیط علی‌الاطلاق خوانده شده است؛ مانند این آیه که «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداوند است و خداوند بر همه چیز محیط است» (نساء: ۱۲۶). اینکه واژه محیط به معنای محیط پیرامون هم هست، از اهمیت بسیاری برخوردار است. انسان در حقیقت در محیط الهی غوطه‌ور است و تنها به سبب نسیان و غفلتش که گناه اساسی نفس است، و تنها با ذکر می‌توان بر آن چیرگی یافت، از آن بی‌خبر شده است. ذکر خداوند یعنی دیدن او در همه جا و تجربه کردن واقعیت او به منزله محیط.^{۲۰}

بر این پایه می‌توان مدعی شد که در نگرش توحیدی، یک نظام «محیط و محاطی» در عرصه محیط زیست برقرار است که خالق طبیعت و ماورای آن به مثابه محیط و غیر او، از جمله زیست‌مندان زمینی، محاط شمرده می‌شوند. از این نکته می‌توان استفاده کرد که انسان که خود آیه‌ای از آیات الهی است، می‌تواند نشان، بل حضور خداوند را در جای‌جای محیط زیست درک کند. حضور خداوند همواره در طبیعت و هستی، جاری و ساری است و اوست که همه عناصر محیط زیست را هدایت تکوینی می‌کند. به گفته قرآن از زبان حضرت موسی علیه السلام «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده است، داده، سپس او را در مراحل هستی هدایت کرده است.» (طه: ۵۰)

طبیعت بکر، کارگاه صانع الهی نیز هست؛ کارگاهی که در آن می‌توان مهم‌ترین شاهکارهای هنر مقدس را یافت. طبیعت بکر، همتای هنر مقدس و دال بر حضور الهی است و اثری نجات‌بخش دارد.^{۲۱} از این رو، نزد انسان سنتی و انسان دین‌دار هیچ چیزی که تا کنون به دست انسان ساخته شده است، ارزش تخریب طبیعت را ندارد و بی‌حرمتی به طبیعت بکر فجیع‌تر از تخریب بزرگ‌ترین آثار هنری بشری است.

خود واژه Nature (طبیعت) از ریشه لاتین Nat به معنای زاده شدن، تنها به این معنا نیست که نیای اشکالی است که از او زاده شده است بلکه بر نیروی حیات‌بخش برای روح بشر نیز دلالت دارد؛ زیرا در بر او و در آغوش حضور معنوی‌اش که بازتابی از خود روح الهی است، روح انسان جان تازه‌ای می‌گیرد و انسان از نو زاده می‌شود.^{۲۲} بدین سبب حفاظت از طبیعت بکر در برابر یورش انسان‌های آزمند که تنها به خواسته‌های دنیوی دل بسته‌اند، به‌راستی وظیفه‌ای معنوی است.

در نتیجه نگرش قرآنی به طبیعت که اهمیت و جایگاه آن را با بیان‌های بیشتری از قرآن شرح خواهیم داد، مسلمان معتقد به قرآن همواره به طبیعت، به منزله آیات سبز قدسی و بازتاب‌دهنده واقعیت‌هایی از بهشت در جهان خاکی، عشق می‌ورزیده و از آن درس‌ها می‌آموخته است. این عشق و ادب در آثار گوناگون عربی، فارسی و ترکی به‌زیبایی بازتابیده است. به گفته سعدی:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

آن گونه که از قرآن برمی‌آید، رابطه ژرفی بین کیهان‌شناسی (طبیعت) و انسان‌شناسی برقرار است. قرآن کریم انسان را جانشین (خلیفه) خداوند در زمین دانسته، به‌صراحت می‌گوید: «در زمین جانشینی خواهم گماشت.» (بقره: ۳۰)

و این مقام برین را با فرهنگ زیست‌محیطی در هم می‌آمیزد؛ چه «خدای سبحان که خلعت خلافت را بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزادسازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی چنین فرمود: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» (بقره: ۳۱)، و از لحاظ عملی چنین فرمود: هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ

تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود: ۶۱) مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است. چنین پهنه پهنای، از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را دربرمی‌گیرد... منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست‌محیطی برای حیات انسانی است، نه خصوص زندگی گیاهی که خاص برخی است و نه مخصوص حیات حیوانی که عده‌ای به آن بسنده نمودند؛ بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند، تا هم بدن از مزایای طب طبیعی طرفی ببرد و هم روح از مواهب ویژه نفس رحمانی به روح و ریحان نایل شود.^{۲۳}

به عبارتی دیگر می‌توان گفت که صفت خلیفگی با صفت بندگی (عبودیت) در برابر خداوند تکمیل می‌گردد. انسان بنده خداست و باید از خداوند اطاعت کند. او به عنوان خلیفه خدا باید در این جهان، حاضر به خدمت باشد و هماهنگی جهان را حفظ کند. ... او نمی‌تواند نسبت به مراقبت از عالم طبیعت غفلت بورزد، مگر آنکه به «امانتی» که به هنگام شهادت به ربوبیت خداوند در میثاق ازلی پذیرفته بود، خیانت کند.^{۲۴} انسان بودن، یعنی آگاه بودن از مسئولیتی که این مقام خلیفگی اقتضا دارد. حتی زمانی که قرآن می‌گوید طبیعت را مسخر انسان کرده است، مانند این آیه «آیا ندیده‌ای که خداوند آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید» (حج: ۶۵)، این امر به معنای چیرگی معمولی بر طبیعت نیست (چنانکه بسیاری از مسلمانان متجدد تشنه آن قدرت که علم جدید به انسان بخشیده، ادعا می‌کنند)، بلکه به معنای غلبه بر چیزهایی است که انسان مجاز است تنها به شرط آنکه مطابق قوانین الهی باشد، اعمال کند.^{۲۵}

از سوی دیگر بنا بر آیات قرآن، خداوند تا بدان جا به انسان قدرت بخشیده است که می‌تواند زمین را به فساد بکشانند. در این صورت دیگر هیچ مخلوقی بر روی زمین خطرناک‌تر از این خلیفه الهی نیست که دیگر خود را بنده خدا نمی‌شمارد و وام‌دار موجودی و رای خویش نمی‌بیند.

بنابراین چشم‌انداز، بیراه نخواهد بود اگر بحران محیط زیست را معلول استنکاف انسان مدرن از دیدن خدا به منزله محیط‌ای واقعی دانست که او را احاطه کرده و مقوم حیات اوست. به‌واقع اندیشه تجدد، محیطی را در ذهن انسان متجدد (به معنای باورمند به

ویژگی‌های اشاره‌شده در تجددگرایی) ترسیم کرده است که ردپایی از خدا و نشانه‌های او در آن نمی‌توان جست؛ زیرا اساساً ظرف ذهنی اندیشه تجددگرایانه نمی‌تواند پذیرای نگرش قرآنی به جهان و طبیعت باشد. به‌دیگرسخن می‌توان تخریب محیط زیست را نتیجه تلاش انسان متجدد برای دیدن محیط طبیعی به منزله نظام واقعی مستقلاً دانست که از محیط الهی فاصله گرفته است.

برای روشن‌تر شدن اهمیت و منزلت محیط زیست از دیدگاه قرآن، ضرور است آیه‌ها و واژگان مرتبط را از قرآن استخراج و تحلیل کنیم. نمونه‌هایی که در ادامه می‌آیند حاصل مروری سریع بر آیه‌های سبز معرفت‌اند؛ با اعتراف به اینکه بی‌تردید تأملی بیشتر در این کتاب مقدس نتایج بهتر و بیشتر به دست خواهد داد.

الف) واژگان مربوط به طبیعت

در تحلیل محتوایی یک متن، واژگانی که دارای بسامد بیشتری باشند، نشان از عنایت و تأکید گوینده یا نویسنده دارند و بر پایه آنها می‌توان باورها و نگرش‌های وی را تحلیل کرد. بسامد و تکرار بسیاری از واژگان مربوط به طبیعت در قرآن، حاکی از این اهمیت دارد که از آن جمله‌اند: واژه ارض (۱۵۴ بار، سماء ۳۱۰ بار، ماء ۶۴ بار، شمس ۳۳ بار، جبل ۳۹ بار و قمر ۲۷ بار).

ب) نام‌گذاری سوره‌ها به پدیده‌های طبیعی

نام‌گذاری سوره‌ها به نام پدیده‌های طبیعی نیز حکایت از اهمیت آنها می‌کند. این دسته از سوره‌ها بسیارند مانند سوره‌های بقره (گاو)، رعد (رعد و برق)، نمل (مورچه)، نور، نحل، عنکبوت، دخان، نجم، فجر (فجر)، شمس (خورشید)، حدید (آهن)، سیل، ضحی (روشنایی روز)، قمر (ماه)، تین (انجیر)، علق (آویزک)، بروج (برج‌ها)، فیل، خلق و ناس (مردم).

ج) سوگند به طبیعت

در قرآن کریم به مقتضای مقام و در موارد مختلف به برخی از پدیده‌های طبیعی سوگند یاد شده است؛ از جمله سوگند به خورشید «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» ماه «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، ستاره «وَالنَّجْمِ» روز «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، شب «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، آسمان «وَالسَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا»، زمین «وَالْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا»، کوه، صبح و شام.

د) تسبیح گوی و ذی شعور بودن طبیعت

در بینش اسلامی پدیده‌های گوناگون طبیعی موجوداتی جان‌دار، ذی‌شعور و تسبیح‌گوی معرفی شده‌اند؛^{۲۶} مانند این آیات:

آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هرکس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید.
(اسراء: ۴۴)

آیا ندانسته‌ای که هر که و هر چه در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان نیز در حالی که در آسمان‌ها پر گشوده‌اند تسبیح او می‌گویند؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند و خدا به آنچه می‌کنند داناست. (نور: ۴۱)
برخی از سنگ‌ها از ترس خدا از فزار کوه‌ها به پایین می‌افتند. (بقره: ۷۴)

پیامبر اعظم ﷺ فرموده است که «احد کوهی است که ما را دوست دارد و ما هم احد را دوست داریم».^{۲۷}

در حقیقت عالم هستی سراسر زمزمه و غوغاست و غلغله‌ای خاموش در پهنه گسترده آن طنین افکنده است که بی‌خبران یارای شنیدن آن را ندارند؛ ولی آنان که دلی زنده به نور ایمان دارند این صدا را از هر سوئی می‌شنوند.

گر تو را از غیب چشمی باز شد با تو ذرات جهان هم راز شد
نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

ه) حافظ‌بودن و رازدار طبیعت

طبیعت در بینش اسلامی امانت‌داری است که جز به فرمان پروردگار حکیم رازها را عیان نمی‌کند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُعْثًا لَهَا» (زلزال: ۲) و زمین ثقل‌های خود را بیرون می‌آورد. «يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال: ۴)؛ در آن روز زمین تمام خبرهای خود را بازگو می‌کند. آن روز، زمین هر چه از خوبی‌ها و بدی‌های بندگان را به امانت نگاه داشته بود، فاش می‌سازد؛ چه او شاهد و ناظر کردار انسان بوده است. در حدیثی از حضرت رسول ﷺ چنین نقل شده است: مقصود از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را بر روی زمین، خبر می‌دهد؛ می‌گوید آن شخص در آن روز چنان کاری را انجام داده است. این است خبر دادن زمین.^{۲۸}

و) تأثیر طبیعت بر انسان

در برخی از آیات قرآن و روایات به اثرات آرام‌بخش و نشاط‌آفرین جلوه‌های طبیعت اشاره شده است. برای نمونه، در سوره نحل به زیبایی آمدوشد حیوانات از چراگاه، و در سوره بقره به رنگ حیوانات و اثر نشاط‌بخش آنها اشاره رفته است و همچنین در سوره‌های حج (۶۳)، ق (۷) و نمل (۶۰) گیاهانی شادآفرین و بهجت‌انگیز وصف شده‌اند.^{۲۹} در این زمینه روایات بسیاری نیز آمده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چهار چیز چهره را نورانی می‌کند که یکی از آنها تماشای گیاهان خرم و سبز است.»^{۳۰}

همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه کردن به مناظر سرسبز موجب از بین رفتن برخی از بیماری‌های روانی می‌شود.»^{۳۱}

باز از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است که: «باران بدن‌ها را نرم می‌کند؛ هوا را صاف و پاکیزه می‌سازد، و با از میان می‌برد، آفات درختان و گیاهان را نابود می‌کند و...»^{۳۲} پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز چنین سفارش کرده است: «گل نرگس را دست‌کم در هر روز یا در هر هفته یا در هر ماه یا در هر سال و یا در طول عمر یک‌بار ببویید، زیرا در دل انسان مایه‌ای از جنون و جذام و برص وجود دارد که استشمام گل نرگس آن را می‌زداید.»^{۳۳}

ز) دعوت قرآن به اندیشیدن درباره طبیعت و درس‌آموزی از آن

به نظر قرآن، تفکر و تدبیر در جلوه‌های طبیعت و درس گرفتن از آنها، از راه‌های دانش‌اندوزی و رستگاری است. بندگان خدا کسانی هستند که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گذران شب و روز و کشتی دریا می‌اندیشند:

و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند. (آل عمران: ۱۹۱) و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. «قطعا در این امر مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است. (جاثیه: ۱۳) راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روان‌اند... واقعا نشانه‌هایی وجود دارد. (بقره: ۱۶۴)

در قرآن مجید در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی وجود دارد.^{۳۴} خداوند سبحان گاه انسان را به سیر آفاقی و انفسی به صورت کلی فرامی‌خواند و گاه دست او را گرفته، به مطالعه یک‌یک پدیده‌های نظام‌یافته و آسمان و ادوار می‌کند. در جایی

می‌گوید: «بگو بنگرید که چه چیزهایی در آسمان‌ها و زمین است» (یونس: ۱۰۱) و در جای دیگر فرمان می‌دهد: «بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که خداوند آفرینش را چگونه آغاز کرد.» (عنکبوت: ۲۰)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فکر کن که خداوند در هر برگی رشته‌هایی مانند رگ‌های بدن از هر طرف کشیده و فواید و مصالحی در آنها قرار داده است. اگر انسان بخواهد یکی از این برگ‌ها را بسازد در صورتی که وسایل و ابزار کار هم فراهم باشد، با تحمل زحمت‌ها و صرف وقت زیاد از عهده ساختن یک برگ بر نمی‌آید.^{۳۵}

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «هیچ عبادتی به پایه تفکر در اسرار آفرینش الهی نمی‌رسد.»^{۳۶}

طبیعت همچنین در بردارنده درس‌های معنوی بسیاری است که از نهایت اهمیت برخوردارند. اهمیت معنوی طبیعت در مراتب بسیار و از طرق بسیار جلوه‌گر می‌شود.

طبیعت بکر واجد نظام و هماهنگی است؛ هماهنگی حیرت‌انگیزی که به معنای فنی موسیقایی در همه عوالم طبیعت جریان دارد.^{۳۷} ... طبیعت بکر به یک معنا نمایانگر تقدس است، هر چند به وجهی منفعلانه، مسلمانی کامل به معنای تسلیم بودن در برابر امر الهی است. یکی از درس‌هایی که طبیعت می‌تواند به شخص روحانی بیاموزد، همین تسلیم محض در برابر قوانین حاکم بر اشیاست، در برابر اصلی که حاکم بر عالم مخلوقات است در برابر تائو.^{۳۸} ... زیبایی طبیعت بکر در عین حال هم آدمی را به باطن خویش متوجه می‌سازد و هم جذب خود طبیعت می‌کند. این زیبایی یادآور آن حق معنوی است که انسان از آن نشئت گرفته است و در واقع به انسان در بازگشت به آن حق همیشه حاضر یاری می‌رساند. ... زیبایی طبیعت بازتاب مستقیم جمال الهی است و انسان را به مرکز مطلق که در آن جمال وصف‌ناپذیر ذات یگانه قرار دارد باز می‌گرداند. با این همه پیام‌های معنوی طبیعت تنها در زیبایی کلی اشکال، حرکات و کیفیاتش محدود نیست؛ بلکه در نمادهایی هم هست که بازتاب‌های مستقیمی از صفات الهی گوناگون‌اند.^{۳۹}

از این روی طبیعت در دیدگاه اسلامی معلم بزرگ انسان و مدرس درس‌های نجات‌بخشی برای بشریت است که برخی از آنها عبارت‌اند از: هدف‌داری جهان هستی و بی‌فایده نبودن خلقت (انبیاء: ۱۶)؛ هماهنگ بودن نظام حاکم بر جهان هستی (رعد: ۳)؛ درک عملکردهای سودمند عناصر محیط زیست برای خدمت به انسان. (لقمان: ۲۰ و حج: ۳۶)؛ شناخت

عوامل وفور یا سلب نعمت‌ها (انعام: ۶)؛ فهم روش برخورد و بهره‌برداری اصولی از طبیعت؛ شناخت علل پیدایش و آفرینش‌ها و دستیابی به علل اصلی آنها و درس توحید (واقعہ: ۶۴ و احقاف: ۳۳)؛ شناخت عوامل طبیعی و علل ناقصه آفرینش‌ها (واقعہ: ۶۸ و ۶۹)؛ شناخت ساختار شکوهمند طبیعت و افعال اعجاب‌انگیز آن (اسراء: ۴۴؛ نور: ۴۱)؛ و سرانجام تماشای طبیعت به مثابه تماشای محشر بزرگ و حضور در صحنه قیامت کبرا (اعراف: ۵۷).

۴. سفارش‌های قرآن برای صیانت از محیط زیست

در نگاه ادیان الهی، انسان موجودی دوبعدی است و زمینه رشد و تعالی او در این دنیای خاکی محقق می‌شود. از همین جهت بر جنبه مادی انسان در کنار بعد ملکوتی‌اش تأکید، و اصولاً کمال واقعی، تنها از همین طریق میسر دانسته شده است. از این‌رو، سفارش‌های فراوانی درباره حفظ سلامت، تأمین آسایش و آرامش بدن و چگونگی رابطه انسان با محیط ارائه گشته است. به‌طور چکیده رهنمودها، سیاست‌ها و راهبردهای عملی قرآن را برای حفاظت از محیط زیست می‌توان از این قرار دانست:

۴-۱. گرایش به رفتارهای اصلاح‌کننده محیط زیست

بر اساس آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین کرده است. (هود: ۶۱) نقطه مقابل کارکردهای اصلاح‌گرانه، تخریب و نابودی محیط زیست است که در همین‌باره در قرآن آمده است: «و در زمین از پی آراستگی‌اش، دیگر خرابی به بار نیاورید» (اعراف: ۵۶). در جای دیگر قرآن آمده است: «و چنین نبود که پروردگارت آبادی‌ها را به ظلم و ستم نابود کند، درحالی‌که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند.»

نکته دقیق در این آیه این است که قرآن صالح بودن را ضامن بقا و آبادانی شهر و آبادی نمی‌داند؛ بلکه مصلح بودن و گرایش و نگرش اصلاح‌گرانه داشتن را مهم می‌شمارد. نخست باید این نگرش و اراده جدی در انسان پدید آید تا او برای آبادانی و اصلاح مهد و گهواره خویش آستین بالا بزند. بدین سبب است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد و با وجود آن فقیر و تهی دست زندگی کند، از رحمت الهی به دور خواهد بود.»^{۴۰}

سفارش فراوان و مؤکد اسلام دربارهٔ حمایت و حفاظت از محیط زیست در درجهٔ اول بیدارکنندهٔ این وجدان و روحیهٔ اصلاحگر انسان است. برای مثال درخت‌کاری، آبیاری و حفاظت از درختان از اعمال سازنده و اصلاح‌کنندهٔ محیط زیست به شمار می‌آیند. همچنان‌که امام صادق علیه السلام نیز به این سه امر سفارش کرده است: «خداوند درخت را برای انسان آفریده، پس او مکلف گردید به اینکه درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.»^{۴۱}

در مقابل رفتارهای اصلاحگر، اعمال و رفتارهای فسادانگیز قرار دارند. در آیات بسیاری از قرآن، صلاح و فساد در تقابل با یکدیگر نهاده شده‌اند. همچنین در قرآن بسیار تأکید شده است که در زمین فساد نکنید. هرچند که بی‌شک مراد از فساد فی‌الارض در این آیات، فقط فساد فیزیکی نیست، دست‌کم این نوع از فساد را نیز دربرمی‌گیرد و می‌توان تخریت جنگل‌ها، قطع درختان و از بین بردن مراتع، کشتزارها و نسل حیوانات را از مصادیق این نهی شمرد؛ چه خود قرآن در توصیف گروهی از مفسدان فی‌الارض می‌فرماید: «می‌کوشد تا در زمین فساد کند و حرث و نسل را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.» (بقره: ۲۰۵) دربارهٔ این آیه باید توجه کرد که:

الف) مقصود از حرث در آیهٔ شریفه به گفتهٔ مفسران، گیاهان به معنای عام است که مزرعه‌ها، درختان، گیاهان و چراگاه‌ها را دربرمی‌گیرد؛

ب) واژهٔ نسل در این آیهٔ شریفه، معنایی جامع دارد و نسل آدمیان و حیوانات را دربرمی‌گیرد و اصولاً نابودی گیاهان به از میان رفتن حیوانات و آدمیان می‌انجامد؛

ج) نابودی گیاهان و نسل حیوانات و انسان‌ها، فساد در زمین است.^{۴۲}

به‌هرحال هر نوع نگرش و رفتاری که نظام آراسته و صالح جاری در عرصهٔ محیط زیست را برهم زند، نگرش و رفتار ناهنجار زیست‌محیطی است و در تضاد با اصول ارزشی اسلام قرار دارد.

۲-۴. شکر نعمت و پرهیز از کفران نعمت

و طبیعت با همهٔ گونه‌هایش نعمت و موهبت خداوند است و «اگر بخواهید نعمت خدا را برشمارید، آن را شمار نتوانید.» (ابراهیم: ۳۴) شکر نعمت به این است که نخست آن را به منزلهٔ عطیهٔ الهی قلمداد کنیم و سپس در جایی و به شیوه‌ای که مرضی خالق آن باشد، از آن

بهره گیریم. به تعبیری روشن تر شکر نعمت نه فقط از جنس گفتار، که بیشتر از جنس کردار و عمل است. در آیه ۱۳ سوره سبأ نیز تعبیر «اعملوا شکرا» بیان کننده همین نکته است.

خداوند در سوره اعراف می فرماید: «ما شما را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر داشتیم؛ لیکن اندکی از شما شکر نعمت های خدای را به جا می آورید.» (اعراف: ۱۰). در جای دیگر می فرماید: «اگر شکر نعمت های مرا به جا آورد من به طور قطع نعمت های شما را افزون می کنم و اگر کفران کنید باید بدانید که عذاب من سخت است.» (ابراهیم: ۷)

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «خداوند در هر نعمتی دارای حق می باشد؛ پس هرکس آن را ادا کند، خداوند نعمت او را زیاد می کند و هرکه کوتاهی کند، در معرض زوال نعمت قرار می گیرد.»^{۴۳}

بدین سان در مقابل شکر نعمت، ناسپاسی یا کفران نعمت قرار می گیرد. حقیقت کفران نعمت بهره گیری انحرافی یا استفاده نادرست از نعمت هاست و بنابر فرموده الهی «هر کسی که نعمت خدا را پس از آنکه به او رسید دگرگون سازد، (بداند که) خداوند سخت کیفر است.» (بقره: ۲۱۱) قرآن به سرگذشت اقوامی مانند قوم سبا اشاره می کند که از انواع نعمت ها و مواهب الهی بهره مند بودند ولی بر اثر ناسپاسی و کفران نعمت، دچار غضب الهی شدند و «سیل وحشتناک و بنیان کن بر آنها نازل گشت.» (سباء: ۱۶). این عذاب به یقین «مجازات‌ی بود که در اثر کفران شان نازل گشت.» (سباء: ۱۷)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اِيْدِي النَّاسِ» می نویسد:

این آیه به ظاهر لفظش عام است، و مخصوص به یک زمان و یا به یک مکان و یا به یک واقعه نیست و در نتیجه مراد از بر و بحر همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین می شود؛ و مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است که یکی از منطقه ها را فراگرفته و نابود می کند؛ مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، مرض های مسری، جنگ ها، غارت ها، و سلب امنیت و کوتاه سخن هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم می زند؛ چه اینکه مستند به اختیار بعضی از مردم باشد و یا نباشد؛ چون همه آنها فسادی است که در دریا و خشکی عالم پدید می آید، و خوشی طیب عیش انسان ها را از بین می برد... این فساد ظاهر در زمینی، بر اثر اعمال مردم است؛ یعنی به خاطر شرکی است که می ورزند و گناهایی که می کنند، و ما در تفسیر آیه «وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اٰتَّقَوْا لَفَتَحْنَا

عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» اثبات کردیم که بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست، که هر یک متأثر از صلاح و فساد دیگری است.^{۴۴}

در تفسیر قمی در ذیل آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» آمده است: «فساد خشکی به نیامدن باران است که باعث تباهی حیوانات می شود و همچنین فساد در دریا که آن هم با نیامدن باران و هلاک جنندگان دریاست.» نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «زندگی جنندگان دریا به باران بستگی دارد؛ پس اگر باران نیاید هم خشکی فاسد می شود هم دریا و این وقتی است که گناهان بسیار شود.» صاحب تفسیر المیزان پس از نقل دو روایت مزبور می گوید: «این دو روایت از باب تطبیق کلی بر مصداق است، نه اینکه آیه در خصوص نیامدن باران نازل شده باشد.»^{۴۵}

شکر نعمت و پرهیز از کفران نعمت را نیز می توان دو اصل بسیار برجسته از اصول حفاظت محیط زیست از دیدگاه اسلام دانست که بسیاری از سفارش ها، اوامر و نواهی زیست محیطی وارد شده در روایات را می توان زیرمجموعه این دو اصل قلمداد کرد. افزون بر آیات قرآن، سفارش های مؤکد فراوانی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و پیشوایان دینی اسلام درباره درخت کاری و حفظ سرسبزی طبیعت، قطع نکردن درختان و عدم تخریب مزارع و باغ ها، زراعت و آبادانی زمین، حمایت از حیوانات و پرهیز از آلوده کردن محیط زیست در دست است که به جهت حفظ چارچوب نوشتار از بیان تفصیلی آنها چشم پوشی می کنیم.

۵. گسترش نگرش دینی و معنوی به محیط زیست

جای خرسندی است که امروزه بیش از پیش بر تغییر نگرش نسبت به محیط زیست و انسان تأکید می شود و برخی از دانشمندان مغرب و مشرق با بیان های گوناگون، روی آوردن به نگرش های سنتی، دینی، و اخلاقی و بازگشتن به آموزه های وحیانی را تنها امید نجات انسان و طبیعت می دانند.

در سال ۱۹۹۲ اتحادیه دانشمندان متعهد بیانیه ای به نام «دانشمندان جهان به بشریت هشدار می دهند» منتشر کرد که ۱۶۰۰ تن از دانشمندان برجسته جهان و از جمله ۱۰۲ برنده جایزه نوبل آن را امضا کرده بودند. این بیانیه اعلام می دارد که در اثر فعالیت های مخرب بشر ممکن است جهان زنده چنان دگرگون شود که دیگر نتواند حیات را به شیوه ای که برای ما آشناست، تأمین کند. از این رو، اخلاق جدیدی لازم است که حرکت عظیمی را برانگیزد و رهبران، حکومت ها و انسان های بی میل را به ایجاد تغییرات بزرگ وادارد.^{۴۶}

یکی از گرایش‌های عمده و پرجاذبه در علم اخلاق، اخلاق زیست‌محیطی^{۴۷} است که در وسیع‌ترین مفهوم خود، به معنای مطالعه رابطه ما با همه آن چیزهایی است که جزئی از محیط زیست یک موجود اخلاقی می‌باشد؛ موجودی که برای او موضوع درستی و نادرستی طرح می‌شود. این چیزها شامل سایر انسان‌ها و آنچه انسان می‌سازد نظیر ماشین و شهر نیز می‌شود.^{۴۸}

به عقیده موریس اف استرانگ «اقداماتی که از عمیق‌ترین ارزش‌های اخلاقی و معنوی ما نشئت نمی‌گیرد، نمی‌توانند در ایجاد آینده‌ای مطمئن، پایدار و امیدبخش موفق شود؛ آینده‌ای که همه ما حسرت و آرزوی آن را داریم».^{۴۹}

جان ای، هویت، رئیس مرکز ارج‌گذاری به زندگی و محیط زیست و جامعه انسانی ایالات متحده آمریکا می‌گوید: «در این رویداد ما به دنبال درک بهتر این هستیم که ارزش‌های معنوی و اخلاق به چه صورت و تا چه اندازه می‌تواند به تعریف و شکل‌دهی توسعه پایدار بر اساس محیط زیست کمک کند».^{۵۰} او یادآور می‌شود که باید در کنار دیدگاه‌های اقتصاددان‌ها، اکولوژیست‌ها و جامعه‌شناس‌ها، دیدگاه و رشته چهارمی با عنوان دیدگاه‌های خداشناس‌ها یا علمای اخلاقی در باب محیط زیست وجود داشته باشد.

گروهی از طرف‌داران محیط زیست روحانیت اکولوژیک^{۵۱} نام دارند. رودلف باهرو^{۵۲} نظریه پرداز بانفوذ نهضت سبز، همه موجودات را «بارقه‌ای از رحمت» می‌داند. وی رستگاری اکولوژیک را مسئله‌ای مذهبی تلقی کرده، باور دارد که بشر محتاج معنویت و تولد عصر جدیدی است که اصالت را در انسان پرورش دهد.^{۵۳}

طی دو دهه اخیر برخی در صدد بوده‌اند که جنبش زیست‌بومی را به یک دین تبدیل کنند. افراد بسیاری که به دین علقه و دل‌بستگی دارند، به جنبش‌های دینی دارای خاستگاه مشکوک، و خارج از مذاهب رسمی غرب روی آورده‌اند. در این حال، دستگاه‌های دینی تا همین اواخر واکنشی نشان ندادند، تا بلکه بتوانند نوعی «الهیات زیست‌بومی» ابداع کنند که از دل سنت مسیحی بیرون آمده باشد.^{۵۴}

تا پفر، مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل نیز می‌گوید:

ما می‌خواهیم در زمینه مسائل زیست‌محیطی با جهان اسلام یک همکاری مناسب و نزدیک داشته باشیم... اعتقاد راسخ دارم که ارزش‌های معنوی جهان اسلام بستر مناسبی جهت اجرای برنامه‌های لازم جهت حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست‌محیطی است.^{۵۵}

در سال ۱۹۹۸ نتیجه پژوهش سه‌ساله هزار دانشمند از کشورهای گوناگون جهان درباره دین و محیط زیست ارائه شد. در این پژوهش ده دین رایج جهان، مشتمل بر اسلام، مسیحیت، یهودیت آئین کنفوسیوس، هندوئیسم، (سنن بومی شینتوئیسم، تائوئیسم، بودیسم و جاینیسم، مبنای پژوهش بودند. یافته‌های این تحقیق نشان دادند که ارزش‌های بنیادی دینی می‌توانند نقش حساسی در حل مشکلات زیست‌محیطی داشته باشند و نتیجه نهایی آن این گونه بیان شد: «رویکرد به تعالیم دینی تنها راهکار نهایی برای حفظ محیط زیست جهان است.»^{۵۶}

از سال ۱۹۸۵ تا کنون چندین کنفرانس بین‌المللی بسیار مهم در این زمینه برگزار شده است که از جمله می‌توان به اجلاس آسیزی در سال ۱۹۸۵، همایش «ادیان و اکولوژی» در سال ۱۹۹۰، اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲، اجلاس «همبستگی و ارتباط بین مذاهب و حفظ محیط زیست»، در سال ۲۰۰۰، همایش «اسلام و محیط زیست» در سال ۱۳۷۸ (تهران)، همایش «دورنمای اسلامی محیط زیست» در سال ۲۰۰۰ (جده)، همایش «محیط زیست، دین و فرهنگ» در سال ۱۳۸۰ (تهران)، و همایش «فقه و محیط زیست» در سال ۱۳۸۴ (اسفندماه در قم) اشاره کرد. همچنین «امروزه بیش از دویست هزار پروژه تحقیقی درباره محیط زیست مبتنی بر دین در سراسر دنیا وجود دارد.»^{۵۷}

این آمار و گزارش‌ها این نوید را می‌دهند که درمان این درد جز با دواي قدسی و اخلاقی میسر نیست. این امر، ضرورت واکاوی و استخراج نگرش متون مقدس ادیان الهی به محیط زیست را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

طی قرون گذشته، علم جدید بر محور پارادایم غالب مدرنیسم و با فاصله گرفتن از نگاه قدسی و معنوی به طبیعت، نگرشی را برای انسان امروزی آفرید که با نفسی سلطه‌جو و تجاوزگر، به منظور ارضای خواسته‌های دورنی‌اش در برخورد با طبیعت، آن را به چنین روز سیاهی نشاند. بی‌تردید نخستین گام این حرکت، یعنی کنار گذاشتن دین و متون دینی و در صدر آنها قرآن مبین نوع نگرش به طبیعت و به تعبیری رساتر تقدس‌زدایی از طبیعت و دنیوی کردن آن بود. حال که بشر از وخامت این بحران بیش از پیش آگاه و نسبت به

آینده زیست محیط انسانی نگران تر شده است، چاره‌ای ندارد جز اینکه به آموزه‌های وحیانی و معنوی در برخورد با طبیعت بازگردد. برای تحقق هرچه بیشتر این امر مهم پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های وحیانی اسلام در باب نظام طبیعی، و اهمیت و ارزش دینی آن دربارهٔ برخورد اخلاقی با محیط زیست استخراج، و به بیان بدیع و بلیغ نگارش و به زبان‌های زندهٔ دنیا برگردانده و ترویج شود. این کار به‌یقین نیازمند ارزیابی نقادانهٔ علم جدید و علم‌زدگی افراطی در زمینهٔ نگرش به این موضوع خواهد بود. به علاوه باید دغدغه‌مندان و داعیه‌داران امور دینی و زیست‌محیطی جهان با تشکیل انجمن‌ها، کنفرانس‌ها و محافل گوناگون علمی، دغدغهٔ اصلی خویش را معطوف مطرح کردن فرهنگ‌های اصیل و معارف متون مقدس برای آموزش عامه دربارهٔ طبیعت سازند و راهکارهایی عملی برای اجرای آنها ارائه دهند و برای حل این بحران جهان‌گیر، جهانیان را رهنما باشند.

Archive of SID

پی‌نوشت‌ها

۱. صادق اصغری لقمجانی، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، ص ۱۱.
 ۲. همو، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، ص ۲۵.
 ۳. همان.
 ۴. صادق اصغری لقمجانی، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، ص ۲۳.
 ۵. جی.تی.میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مخدوم، ص ۷.
 ۶. صادق اصغری لقمجانی، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، ص ۱۰.
7. Garrett Hardin
۸. باری کامونر، انسان و محیط زیست، ترجمه بهروز بهزاد، ص ۳.
 ۹. همان، ص ۴.
 ۱۰. صادق اصغری لقمجانی، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، ص ۱۹.
11. Barry Commoner
۱۲. باری کامونر، همان، ص ۴.
 ۱۳. جی. تی. میلر، همان، ص ۳۰.
 ۱۴. مصطفی ملکیان، جزوه سلسله درس‌های سنت‌گرایی، تجددگرایی و پسا تجددگرایی، درس ۱۳.
 ۱۵. مصطفی ملکیان، همان، درس سوم.
 ۱۶. اسماعیل سراج‌الدین و ریچارد پارت، اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست، ترجمه احمدرضا اشرف‌العقلانی، ص ۲۹.
 ۱۷. مصطفی ملکیان، همان، درس ۷.
 ۱۸. سیدحسین نصر، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، ص ۲۰۳.
 ۱۹. سیدحسین نصر، همان، ص ۲۱۴.
 ۲۰. همان، ص ۲۱۷.
 ۲۱. همان، ص ۲۰۷.
 ۲۲. همان، ص ۲۱۰.
 ۲۳. عبدالله جوادی‌آملی، همایش بین‌المللی محیط زیست دین و فرهنگ، ص ۵۸.
 ۲۴. سیدحسین نصر، همان، ص ۲۲۲.
 ۲۵. همان.
 ۲۶. کتاب همایش اسلام و محیط زیست، ص ۱۲۷.
 ۲۷. فضلان ام‌خالد، اسلام و محیط زیست، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، ص ۴۶.
 ۲۸. کتاب همایش، اسلام و محیط زیست، ص ۹۴.
 ۲۹. صادق اصغری لقمجانی، اصول تربیتی زیست محیطی در اسلام، ص ۶۸.
 ۳۰. رک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳.

۳۱. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیتی زیست محیطی در اسلام*، ص ۶۹.
۳۲. محمد باقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۳، ص ۱۲۶.
۳۳. همان، ج ۶۲، ص ۹۹.
۳۴. سیدمحمد شفیعی مازندرانی، *تأثیر محیط زیست در انسان*، ص ۱۹.
۳۵. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیتی زیست محیطی در اسلام*، ص ۵۷.
۳۶. همان، ص ۵۸.
۳۷. سیدحسین نصر، همان، ص ۲۰۰.
۳۸. همان، ص ۲۰۲.
۳۹. همان، ص ۲۰۵.
۴۰. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*، ص ۱۰۴.
۴۱. همان.
۴۲. همان، ص ۱۰۷.
۴۳. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*، ص ۱۰۷.
۴۴. سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی ج ۱۶، ص ۲۹۳.
۴۵. همان، ص ۳۰۰.
۴۶. اصغری لقمجانی، صادق، *مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام*، ص ۱۴.
47. Environmental Ethics
۴۸. جان بنسن، *اخلاق محیط زیست*، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، ص ۴.
۴۹. اسماعیل سراج الدین و ریچارد پارت، همان، ص ۷.
۵۰. همان، ص ۱۰.
51. Eco-theologist
52. Rudolf Bahro
۵۳. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*، ص ۳۵.
۵۴. ر.ک: سیدحسین نصر، «انسان و طبیعت بحران معنوی انسان متجدد»، ترجمه احمدرضا جلیلی، *نقد و نظر*، ش ۱۵.
۵۵. ر.ک: باسم پورسعید، «پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام»، *فرهنگ جهاد*، ش ۳۳ و ۳۴.
۵۶. صادق اصغری لقمجانی، *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*، ص ۴۱.
۵۷. همایش بین المللی محیط زیست دین و فرهنگ، (مجموعه مقالات)، ص ۴.

منابع

- اصغری لقمجانی، صادق، *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*، تهران، سپهر، ۱۳۸۴.
- ____، *مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام*، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۴.
- ام خالد، فضلان، *اسلام و محیط زیست*، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- بنسن، جان، *اخلاق محیط زیست*، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
- پورسعید، باسم، «پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام»، *فرهنگ جهاد*، ش ۳۳ و ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۴۴ تا ۲۶۲.
- جوادی آملی، عبدالله، *اسلام و محیط زیست*، قم، اسراء، ۱۳۸۶.
- ____، مقاله «فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است»، در کتاب *همایش بین المللی محیط زیست دین و فرهنگ*، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۰.
- سراج الدین، اسماعیل و ریچارد پارت، *اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست*، ترجمه احمدرضا اشرف العقلائی، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۹.
- شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، *تأثیر محیط زیست در انسان*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- کامونر، باری، *انسان و محیط زیست*، ترجمه بهروز بهزاد، تهران، موج سبز، ۱۳۸۲.
- کتاب همایش *اسلام و محیط زیست*، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۰.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، انتشارات الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ملکیان، مصطفی، *جزوه سلسله درس‌های سنت‌گرایی، تجددگرایی و پسا تجددگرایی*.
- میلر، جی. تی، *زیستن در محیط زیست*، ترجمه مجید مخدوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- نصر، سیدحسین، «انسان و طبیعت بحران معنوی انسان متجدد»، ترجمه احمدرضا جلیلی، *نقد و نظر*، ش ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۰۴ - ۲۱۳.
- ____، *نیاز به علم مقدس*، ترجمه حسن میان‌داری، قم، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹.
- همایش بین‌المللی محیط زیست دین و فرهنگ، (مجموعه مقالات)، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۰.

Archive of SID